روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۴۷۸
۳۱ تیر ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

«رستاخیز» در فرهنگسرای نیاوران

مجموعه نقاشی‌های عاشورایی «رستاخیز» در نگارخانه شماره یک فرهنگسرای نیاوران به نمایش گذاشته می‌شود.
نمایشگاه نقاشی «رستاخیز» با آثار علی بحرینی برپا شده است؛ آثارِ این نمایشگاه خلاصه‌ای از داستان عاشورا از اول محرم تا غروب روز عاشورا را روایت می‌کند. در این نمایشگاه ۳۸ تابلو در دو بخش به نمایش درآمده است که ۱۶ اثر درخصوص زندگی امام علی(ع) و ۲۲ اثر نیز ویژه واقعه عاشوراست.
آثارِ بحرینی در ابعاد مختلف با تکنیک رنگ روغن اجرا شده و سبک آن‌ها تلفیقی از رئال و امپرسیونیسم است.
نمایشگاه«رستاخیز» دوشنبه ـ یکم مرداد ماه ۱۴۰۳ ـ در نگارخانه شماره یک فرهنگسرای نیاوران افتتاح خواهد شد و از دوم مرداد ماه هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۹ و جمعه‌ها از ساعت ۱۴ تا ۱۹ قابل بازدید است.

پاسخ امام باقر به شبهه علت همراهی نکردن خواص با امام حسین

این پرسش و شبهه درباره عدم همراهی خواص و نزدیکان امام حسین علیه‌السلام همواره در طول تاریخ مطرح بود تا اینکه امام باقر علیه‌السلام به این شبهات پایان داد.

ماجرای قیام امام حسین علیه‌السلام دارای ابعاد گسترده‌ی سیاسی، اجتماعی و معرفتی است و لذا برای درک حقیقت این رویداد تاریخی باید تمام این جنبه‌ها در کنار یکدیگر دیده شوند. آنها که فارغ از ابعاد معرفتی و اجتماعی، صرفاً به بعد سیاسی قیام حسینی می‌پردازند، با معماهای زیادی مواجه می‌شوند و توجیهی برای قیام حضرت نمی‌یابند، اما آنها که از بُعد معرفتی به این رویداد نگاه می‌کنند و وقایع سیاسی و اجتماعی را از این منظر مورد مطالعه قرار می‌دهند، به حقانیت این قیام نزدیک می‌شوند. حقیقت اجتماعیِ ماجرای قیام این است که امت اسلام در فاصله تاریخ ۱۱ هجرت یعنی رحلت پیامبر تا سال ۶۰ هجری یعنی زمان اعلان رسمی قیام امام حسین علیه‌السلام از کنار خانه کعبه، به شدت استحاله شده بود و در این بین، امویان هم بنا داشتند آخرین تیرهای زهرآلود سپاه ابلیس را بر پیکره این دین الهی وارد کنند تا به این ترتیب از اسلام جز نامی در تاریخ باقی نماند و یا اینکه قصد داشتند در پوشش اسلام به حکومت خویش تداوم بخشند و اسلام اموی را جایگزین اسلام ناب محمدی کنند؛ یعنی آنها در پی اسلامِ منهای عترت بودند. اسلامی که سراسر تبعیض و بی‌عدالتی و خشونت و بازگشت به عصر جاهلیت است.

در این شرایط بود که امام حسین علیه‌السلام اعلان قیام کردند تا این رویه را اصلاح کنند و خود فرمود من برای طلب اصلاح وضعیت امت جدم پیامبر قیام کردم. اما در تحلیل خواص و اهل سیاست، نتیجه‌ی این قیام، همان چیزی بود که در دهم محرم در تاریخ ثبت شد، یعنی به خاک و خون کشیده شدن خاندان وحی و به اسارت رفتن زنان و فرزندان آل طاها. به این جهت بود که مدام امام را از این قیام نهی می‌کردند و ایشان را دعوت به مصالحه می‌کردند، اما امام اصرار داشت که «مرگ با عزت به از زندگی با ذلت» آن هم تحت حکومت خلیفه خودخوانده اسلامی یعنی یزید فاسق و شرابخوار که هدفش نابودی دین اسلام بود.

با این حال امام حسین علیه‌السلام این قیام را متصل به مشیت خدا کرد و ما نیز اعتقاد داریم که امام معصوم جز اذن خدا کاری انجام نمی‌دهد و حکمت‌هایی که امام می‌داند، بر سایر خلایق پوشیده است. امام به دلسوزانی که قصد ممانعت ایشان از قیام را داشتند، می‌فرمود که پیامبر در رؤیایی صادقانه به من گفت «یا حُسَیْنُ اُخْرُجْ فَإِنَّ اللهَ قَدْ شاءَ أَنْ یَراکَ قَتیلا إِنَّ اللهَ قَدْ شاءَ أَنْ یَریهُنَّ سَبایا»؛ ای حسین، خروج کن که خداوند مشیت کرده تو را کشته شده و اهلت را اسیر ببیند».

بنابراین عدم شناخت نسبت به جایگاه امام به عنوان خلیفةالله و صاحب علم و حکمت خدا، نقطه ضعف خواص بود. آنها امام را در حد فردی صرفاً مقدس می‌شناختند و کوفیان نیز بر همین عقیده بودند که با اندک تهدیدی از سوی حکومت وقت، از همراهی امام باز ماندند و بلکه اکثر آنان در مقابل فرزند رسول خدا صف بستند؛ لذا آنان عقیده‌ای بر جایگاه عصمت امام و مقام رفیع امامت نداشتند و این همان نقطه ضعف خواص و عموم مسلمانان در عدم همراهی با امام معصوم بود. تمام این چالش‌ها به دنبال سیاست‌های خبیثانه منع نقل و کتابت حدیث نبوی و سناریوی جعل حدیث توسط امثال معاویه باز می‌گشت، سیاستی که سبب دوری مردم از فضائل عترت و بلکه سبب ایجاد نفرت و کینه در دل آنان از خاندان وحی شد. تنها در یک نمونه، معاویه

با پول دادن به وعاظ و مفسران، آیاتی که در شأن امیر مؤمنان و عترت بود و آیاتی که در مذمت دشمنان عترت بود، وارونه جلوه می‌داد؛ مثلاً سمرة بن جندب کسی است که معاویه صد هزار درهم به او داد و گفت آیه‌ی «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللهِ وَ اللهُ رَؤُفٌ بِالْعِباد»۱ را با جعل یک حدیث از سوی پیامبر، به ابن ملجم مرادی منسوب کند تا اینکه با افزایش مبلغ به ۴۰۰ هزار درهم، قبول کرد و این جعل را انجام داد.

پس تا اینجا متوجه می‌شویم آنان که صرفاً با تحلیل‌های سیاسی به قیام امام حسین علیه‌السلام نگریستند و مقام والای امامت را مدنظر قرار ندادند و خود را به فراموشی زدند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیر توصیه به تبعیت از عترت خویش کردند، از همراهی باز ماندند. آنها که سیّاس بودند، نسبت به آینده قیام بی‌اطلاع بودند و لذا قافیه را باختند و بعد پشیمان شدند.

فردی به نام حمزة بن حمران می‌گوید نزد امام باقر درباره خروج امام حسین و علت تخلف حنفیه صحبت بود. امام فرمود «ای حمزه، من تو را درباره این موضوع به گونه‌ای آگاه خواهم کرد که پس از این جلسه، هیچ شکی در دلت باقی نماند؛ هنگامی که حسین به سوی عراق رهسپار شد، خواستار ورقه‌ای شد و در آن نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم، از حسین بن علی به بنی هاشم. اما بعد، هر کس که به من بپیوندد شهید خواهد شد و هر کس که از من جدا بماند، به فتح دست نخواهد یافت. والسلام».» «بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِیمِ، مِنَ اَلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ إِلَی بَنِی هَاشِمٍ ، أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّهُ مَنْ لَحِقَ بِی اُسْتُشْهِدَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنِّی لَمْ یَبْلُغِ اَلْفَتْحَ وَ اَلسَّلاَمَ».

از این روایت متوجه می‌شویم این پرسش و شبهه درباره عدم همراهی خواص و نزدیکان امام حسین علیه‌السلام همواره در طول تاریخ مطرح بوده و امام خواستند با این جمله پایانی به این شبهات دهند.

روزی که صدام مرگ را به چشم خود دید

عباس دوران هفتم آذرماه سال ۱۳۵۹ در یک عملیات متحورانه دو ناوچه نیروی دریایی عراق را در حوالی اسکله «الامیه» و «البکر» غرق کرد، چنانچه می‌گفتند و به اثبات هم رسید نیروی دریایی عراق را سرهنگ خلبان عباس دوران و سرهنگ خلبان خلعتبری به نابودی کشاندند. زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد وی اولین خلبانی بود که آمادگی خود را جهت نبرد با صهیونیست‌ها اعلام کرد.

پیش از آزادسازی خرمشهر، عراق در چنین جایگاهی قرار داشت و یک سر و گردن از ما بالاتر بود و می‌توانست با فشارهای سیاسی، خود را به ما تحمیل کند ولی با آزادسازی خرمشهر قضیه برعکس شد و نظام بین‌الملل شاهد شکست نظامی – سیاسی عراق در این منطقه استراتژیک شد و این در حالی بود که عراق برگ برنده خود را برای اعمال نظرات نامشروع در منطقه از دست داد.

در شرایطی که خرمشهر آزاد شده بود کشورهای عرب منطقه که روی صدام و ارتش آن تکیه داشتند دچار وحشت شدند. آمریکا و برخی کشورهای عرب توصیه کردند که در این فضا و شرایط حاکم، هرچه سریع‌تر باید آتش‌بس برقرار شود.

در تشریح علل تصمیم برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها در بغداد می‌توان گفت که رژیم صدام که در آن شرایط از لحاظ سیاسی بسیار ضعیف شده بود، بهترین راه خروج از این بحران را برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد دانست زیرا از این طریق موفق می‌شد با صدور بیانیه و حربه‌های دیگر همه چیز را به نفع خود و به ضرر نظام جمهوری اسلامی ایران به پایان برساند. از سوی دیگر، عراق بارها اعلام کرده بود که بغداد کاملاً امن است و حتی پرنده‌ای جرأت ندارد در آسمان بغداد پرواز کند. در این زمان بود که ایجاد ناامنی در استان بغداد در دستور کار نظامی – سیاسی جمهوری اسلامی قرار گرفت تا ضمن هدف قرار دادن تأسیسات پالایشگاهی «الدوره» در جنوب شرقی شهر بغداد از برگزاری نشست سران غیرمتعهدها جلوگیری شود.

خلبان عباس دوران که بود؟

عباس دوران در سال ۱۳۲۹ در شهر شیراز دیده متولد شد. وی پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۱ وارد دانشکده خلبانی نیروی هوایی ارتش شد و پس از طی دوره مقدماتی در ایران برای ادامه تحصیل و طی دوره تکمیلی به آمریکا اعزام شد و پس از اخذ نشان و گواهینامه خلبانی به ایران بازگشت.

وقتی جنگ تحمیلی در روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد در پست افسر خلبان شکاری و معاونت عملیاتی فرماندهی پایگاه سوم شکاری (شهید نوژه) انجام وظیفه می‌کرد. او در طول جنگ بیش از ۱۲۰ پرواز جنگی داشت.

بارها می‌گفت اگر هواپیما بال نداشته باشد خودم بال درآورده و بر سر دشمن فرود می‌آیم و هرگز تن به اسارت نخواهم داد.

عباس دوران هفتم آذرماه سال ۱۳۵۹ در یک عملیات متحورانه دو ناوچه نیروی دریایی عراق را در حوالی اسکله «الامیه» و «البکر» غرق کرد، چنانچه می‌گفتند و به اثبات هم رسید نیروی دریایی عراق را سرهنگ خلبان عباس دوران و سرهنگ خلبان خلعتبری به نابودی کشاندند. زمانی که اسرائیل به لبنان حمله کرد وی اولین خلبانی بود که آمادگی خود را جهت نبرد با صهیونیست‌ها اعلام کرد.

در سال ۱۳۶۱ جنگ تحمیلی هر روز شعله‌ورتر می‌شد و صدام رئیس دولت بعث عراق برای مانور سیاسی از برپایی کنفرانس غیرمتعهدها سخن می‌گفت و از مدت‌ها قبل به کمک آمریکا بغداد را به زعم خود به دژ نفوذناپذیری تبدیل کرده و تبلیغات بسیار وسیعی به راه انداخته بود تا حدی که برای سران غیرمتعهد بنزهای سفارشی‌اش را بر روی اتوبان‌های نوساز بغداد راه انداخت، خیلی خرج کرده بود. از یک طرف هم مدام، تبلیغ می‌کردند که ایران نمی‌تواند بغداد را ناامن کند. در این شرایط بود که سرهنگ خلبان عباس دوران برای جلوگیری از برگزاری کنفرانس سران غیرمتعهدها، بیستم تیرماه ۱۳۶۱ مأموریت یافت تا پایتخت عراق را ناامن کند.

روز ۳۰ تیرماه ۱۳۶۱ سه هواپیما که هر کدام دو سرنشین داشتند مأموریت یافتند روی بغداد عملیاتی انجام دهند. هدف آن‌ها بمباران پالایشگاه بغداد، نیروگاه اتمی بغداد و «پایگاه الرشید» یا ساختمان اجلاس در بغداد بود.

هواپیمای شماره یک: عباس دوران – منصور کاظمیان هواپیمای شماره دو: اسکندری – باقری هواپیمای شماره سه: توانگریان – خسروشاهی

ماجرای این مأموریت که خلبان عباس دوران در آن به شهادت رسید از زبان همکار و همراهش منصور کاظمیان خواندنی است:

وی می‌گوید: قبل از اینکه انجام این عملیات را به ما اعلام کنند عباس دوران به «امیدیه» رفته بود و قرار بود در صورتی که در «عملیات رمضان» نیاز شد، پرواز کند زیرا نیروی زمینی ارتش در این عملیات نیاز به حمایت‌های هوانیروز داشت. در نتیجه دو روز قبل از شروع عملیات عباس دوران به ما ملحق شد و به ما توضیح دادند که به علت حساسیت ویژه، این عملیات با سه هواپیما انجام خواهد شد. «هواپیمای شماره ۱ » من بودم و عباس دوران. «هواپیمای شماره ۲ » محمود اسکندری بود و ناصر باقری و «هواپیمای شماره ۳ »، توانگریان و خسروشاهی که البته قرار شده بود هواپیماهای شماره ۱ و ۲ به عمق خاک عراق و شهر بغداد بروند و علاوه بر بمباران پالایشگاه «الدوره» دیوار صوتی این شهر را نیز بشکنند و هواپیمای شماره ۳ نزدیک مرز به عنوان پشتیبان و نیروی جایگزین مستقر شود تا در صورت بروز هرگونه مشکلی برای این دو هواپیما، عملیات را ادامه دهد.

ما به سمت بغداد پرواز کردیم. تقریباً ۱۵ کیلومتری بغداد بودیم که با دیوار آتش و پدافند دشمن روبه‌رو شدیم و در همین فاصله

چند گلوله به هواپیمای ما اصابت کرد. وقتی این گلوله‌ها به هواپیمای ما اصابت کرد عباس به من گفت که چراغ موتور سمت راست روشن شده و ظاهراً موتور از کار افتاده است. به عباس گفتم چاره‌ای نیست و باید به عملیات ادامه دهیم. زیرا در آن شرایط اگر باز می‌گشتیم دوباره در دیوار آتش دشمن قرار می‌گرفتیم بنابراین به سمت جنوب شرقی شهر بغداد که پالایشگاه «الدوره» در آنجا بود ادامه مسیر دادیم و با این که پدافند دشمن بسیار قوی بود تمام بمب‌ها را روی این پالایشگاه تخلیه کردیم.

بعد از تخلیه بمب‌ها مسیری را ادامه دادیم که دقیقاً به سمت همان هتلی ختم می‌شد که قرار بود کنفرانس غیرمتعهدها در آن برگزار شود. زمانی که ما بمب‌ها را روی پالایشگاه الدوره می‌ریختیم آتش بی‌امان و شدید دشمن قطع نمی‌شد. در همان موقع بود که هواپیما مورد اصابت چند گلوله دیگر قرار گرفت و قسمت عقب آن به طور کلی از بین رفت.

وقتی به پشت سرم نگاه کردم پالایشگاه را دیدم که در آتش می‌سوزد. در آن لحظه بود که دیدم قسمت دم هواپیما تا وسط کابین از بین رفته و در آتش می‌سوزد. دیگر حتی فرصت نشد که به عباس این قضیه را بگویم و نمی‌دانم چطور شد که صندلی من به بیرون پرت شد

پیام وزیر ارشاد به آفرین‌واره «راوی عشق»

وزیر ارشاد با انتشار پیامی به آفرین‌واره عکس و فیلم راوی عشق، حضور قابل توجه هنرمندان عکاس خارجی را نشان دهنده همدلی جامعه اسلامی از طریق فرهنگ عاشورایی دانشت.

بر اساس اعلام وزارت ارشاد اسلامی، متن پیام محمدمهدی اسماعیلی دومین آفرین‌واره بین‌المللی راوی عشق به شرح زیر است:

«قیام حضرت سیدالشهدا و یارانش(سلام الله علیهم اجمعین) سرچشمه‌ای جوشان بود که به دریایی عظیم، عمیق و خروشان از معارف و جلوه‌های زیبای انسانی و اسلامی انجامیده است. تبیین این جلوه‌گه ایثار، همواره با فرهنگ و هنر آمیخته بوده است. هنرهای شعر، نوحه‌سرایی‌ها و آثار تجسمی و موسیقی و تعزیه نقش به سزایی در این عرصه مقدس ایفا نموده‌اند.

با ظهور و بروز هنرهای جدید و تأثیر آن در فضای عمومی، طی سال‌های اخیر نگرانی‌هایی مبنی بر به فراموشی سپردن برخی آیین‌های عاشورایی ایجاد نموده بود که خوشبختانه با ابتکار اهالی فرهنگ و هنر در حفظ و احیای هنرهای کهن عاشورایی، بسیاری از آیین‌های مذهبی و سوگواری ایام محرم بازآفرینی شده و ثبت و ضبط می‌گردد. یاد و نام امام حسین(ع) در فرهنگ ایرانیان ریشه‌ای گسترده دارد، عشق به امام حسین(ع) از کودکی در درونمان نهادینه شده است و فرهنگ عاشورا در واقع عشقی است که سینه به سینه از گذشته به امروز رسیده است و همچنان تداوم خواهد یافت.

«دومین آفرین‌واره بین‌المللی عکس و فیلم راوی عشق»، با ابزار هنر، رسیدن به کمال انسانی و فضیلت و معرفت را ثبت کرده است. به فضل الهی، صبر و استقامت، استواری و رشادت، ایثار و فداکاری، شهادت و لقای پروردگار، احسان و نوع دوستی و ده‌ها ارزش ناب دیگر، همه در آثار زیبای هنرمندان جلوه‌گر و پرتوافکن شده است. این آفرین‌واره توانست فضایل و ملکات اخلاقی و خودسازی امام حسین(ع) و یاران با وفایش را که گوی سبقت را در پیمودن درجات معرفت و فضیلت ربودند و نام خود را جاودانه ساختند، به ثبت برساند و بار دیگر اهتزاز پرچم پرافتخار حضرت ابوالفضل العباس(ع) را به چشم جهانیان بنما یانند.

حضور قابل توجه هنرمندان عکاس خارجی از کشورهای بحرین، امارات، ترکیه، لبنان، عراق، افغانستان و هند و ۷۲ هنرمند از ۲۵ استان کشور در دومین آفرین‌واره بین‌المللی راوی عشق این پیام را می‌رساند که فرهنگ عاشورایی نقطه وفاق و همدلی جامعه اسلامی بوده و لازم است همه اصحاب فرهنگ و هنر در تمامی عرصه‌ها با نقش‌آفرینی خود بیش از پیش رشادت‌ها، بصیرت، ولایتمداری و ایثار حضرت اباعبدالله الحسین(ع) و یاران باوفایش و ذکر خصایل اخلاقی ائمه معصومین را به تصویر بکشند تا در گسترش روزافزون فرهنگ عاشورایی در اقصی نقاط جهان ادای دین نمایند.

از خداوند منان برای همه خادمان فرهنگ و هنر ایران عزیز توفیق و سرافرازی آرزومندم.»

نامۀ امام حسین علیه السلام به حبیب بن مظاهر

بخش ۲

حجت‌الاسلام دکتر مجتبی خندان

راه زدودن زنگار از قلب

پیغمبر اکرم می‌فرماید: مردم «إنّ القُلُوبَ تَصدأ کَمَا یصدأ الحَدِیدَ قیلَ یا رسول الله وَ ما جَلاؤهَا قَالَ قراءةُ القُرآنِ وَذِکْرُ المَوتِ» ؛ این قلب‌های شما مثل آهن زنگ می‌زند – البته اگر پوک نشود خیلی خطر ندارد. گاهی آهن این قدر از بین می‌رود که وقتی می‌خواهی چکش بزنی له می‌شود و می‌پیچد. آهنی که دیگر از بین رفته و سوراخ شده وقتی به هر جای آن چکش می‌زنی دیگر فرو می‌ریزد، این مشکل است. لذا نگذارید قلب این گونه بشود. قرآن می‌گوید بعضی از قلب‌ها «طَبَعَ الله عَلَی قُلُوبِهِمْ» و «خَتَمَ الله عَلَی قُلُوبِهِمْ» ؛ مثل آن آهنی است که خورده شده، آن قدر قساوت گرفته که مثل سنگ شده است. اما قرآن دربارۀ بعضی از قلب‌ها می‌گوید: «کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَی قُلُوبِهِم» ؛ زنگ زده، اگر آهن محکم باشد، زنگی که روی آن نشسته خیلی خطر ندارد، می‌شود با سمباده و با یک ضد زنگ آن را از بین برد. اگر قلب خیلی خراب نشده باشد، اگر گناه در روح خیلی رسوخ نکرده باشد، راحت می‌شود آن را زدود، می‌شود سمباده یا ضد زنگ زد- پیغمبر فرمود: گاهی قلب‌ها رنگ می‌زند، جلوی زنگ زدنش را بگیرید. پرسیدند: یا رسول الله، چگونه؟ فرمود: ذکر معاد، و یاد قیامت، قلب را زنده می‌کند. همین موعظه و نصیحت، همین جلسات قلب را زنده می‌کند.

اهمیت تلاوت قرآن

همۀ حرف‌ها را هم ممکن است همه یاد داشته باشند، اما چرا در قرآن بیش از سی مرتبه در یک سوره می‌گوید: «فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ»، این آیه چقدر در سورۀ الرحمن تکرار شده؟ بیش از سی مرتبه «فَبِأَیِّ آلَاءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ». در سورۀ شعرا هشت مرتبه در جاهای مختلف آمده: «إِنَّ فِی ذَلِکَ لَآیَةً وَمَا کَانَ أَکْثَرُهُم مُّؤْمِنِینَ». مردم! در این قصه‌ها برای شما علامت و نشانه است، به این‌ها توجه کنید. پیغمبر فرمود اگر می‌خواهی قلب زنگ نزند، ذکر مرگ، و قرائت قرآن برای آن مفید است. اگر انسان روزی یک بار به آیات قرآن نگاه کند، هر چند دو آیه بخواند، قلبش نورانی می‌شود. اگر یاد ندارد سورۀ قل هو الله را بخواند. اگر سواد ندارد، به قرآن نگاه کند. نظر به قرآن عبادت است؛ «النَّظرُ الی القرآن بغیرِ قرائهِ عباده». به آیات نگاه کن، همین که آیات را ببینی ثواب دارد. سورۀ قل هو الله را از روی قرآن بخوان، سورۀ حمد را از روی قرآن بخوان. قرآن را باز کن، بگذار این قلب از کانال‌های مختلف نور بگیرد. وقتی از حفظ می‌خوانی زبان فقط کانال است، اما وقتی از رو می‌خوانی، و وقتی بلند هم می‌خوانی گوشت می‌شنود، چشمت می‌بیند، و زبانت هم می‌گوید؛ سه کانال به قلبت نور می‌رساند. بگذار از سه، چهار شبکه نورانیت بگیری.

پیامبر فرمود: «مَن قَرَأَ عَشرَ آیاتٍ فی لیلَه لَمْ یُکتَب مِنَ‌الغافلین» ؛ کسی که در روز ده آیه از قرآن بخواند دیگر غافل نیست. این اثر دارد، اگر سراغ تفسیر و ترجمه‌اش هم رفتی که دیگر نور علی نور است، «أَفَلَا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ» ؛ عقل و فهمت هم می‌شود چهارمین کانال؛ هم می‌فهمی، هم می‌بینی، هم می‌شنوی و هم می‌خوانی، در این حالت دیگر تأثیر زیادی دارد. عزیزان! حبیب توفیق داشت که آمد کنار امام حسین، زهیر توفیق داشت. اگر توفیق می‌خواهید، راه دارد و یک راهش تفکر است.

۲. نماز اول وقت

یک راه کسب توفیق هم نماز اول وقت است. این نماز اول وقت مخصوصاً به صورت جماعت و مخصوصاً در صف اول باعث کسب توفیق است. ما گاهی ثواب را مجانی از دست می‌دهیم. در حالی که مسجد کنار خانۀ ماست، در خانه نماز می‌خوانیم. به مسجد برو، خود مسجد ثوابش را چند صد برابر می‌کند، ولو این که نماز تمام شده باشد. اگر به نماز جماعت رسیدی که چند هزار برابرش می‌کند. اگر در صف اول ایستادی که مثل جهاد در راه خداست؛ امام کاظم فرمود: «إنّ الصّلاَه فی الصّفّ الأوّل کَالجِهادِ فِی سَبیلِ الله عَزّوجَل». مثل یک جهاد است و ثواب نماز یک هزار برابر و یک صد برابر می‌شود. این خیلی است. ممکن است بگویی ما این قدر به ثواب نیاز نداریم. چه کسی می‌گوید نیاز نداریم؟! قرار است در آن جا (آخرت) جاودانه بمانی. امیرمؤمنان می‌فرماید: «ان تَعبد الله بقدرِ حاجتک الیه» ؛ مگر چقدر به خدا نیاز داری؟ شما آن جا خیلی به نور نیاز داری، چرا کم کاری می‌کنی؟ تا نور هزار است، چرا سراغ نور پنجاه و صد می‌روی؟!

یکی از دلایل اهمیت نماز جماعت

می‌گویند بوعلی سینا به ابوسعید ابوالخیر نوشت که چرا نماز جماعت این قدر ثواب دارد؟! ابوسعید در پاسخ بوعلی نوشت که: جناب بوعلی، گاهی خانۀ انسان تاریک است، یک شمع یا یک چراغ روشن می‌کند. حال اگر باد بوزد این چراغ خاموش می‌شود و دیگر نور نیست. یا اگر دزد بیاید این چراغ را بردارد و ببرد، خانه تاریک می‌شود. اما اگر در جایی که هزار یا دویست و یا صد تا چراغ و شمع روشن کنند، وقتی باد بوزد همه را خاموش نمی‌کند، یکی دو تا، پنج تا، در بین آنها روشن می‌ماند. تاریکی محض نمی‌شود، و انسان راهش را پیدا می‌کند. گفت شما وقتی به مسجد می‌روی صد تا چراغ روشن است، اگر من آدم بدی هستم شاید کنار دستی من آدم خوبی باشد. یا شاید امام جماعت انسان متدینی است، اهل نماز است، اهل تدین است. شاید این آقایی که اینجا ایستاده عارف است.

در روایات داریم خداوند بعضی از اقوام را عذاب نمی‌کند و به آنها نظر لطف می‌کند؛ چون در بین آنها متدینین وجود دارند. گاهی در یک محله دو نفر متدین هستند، آن محله مورد توجه قرار می‌گیرد. وقتی در یک قبرستان یک متدین دفن می‌شود سایر اموات در آن شب بهره‌مند می‌شوند، این تأثیر عمل انسان است. در روایات داریم که خداوند عذاب را از بعضی‌ها به خاطر افراد خوبی که در بین آنها هستند دفع می‌کند. پس اگر توفیق می‌خواهید؛ ۱- تفکر و اندیشه کنید، ۲- نماز اول وقت و نماز جماعت بخوانید. ۳. احترام به والدین

احترام به پدر و مادر، عجیب توفیق انسان را زیاد می‌کند! و عجیب برکت می‌دهد!

۴. صلۀ رحم

صلۀ رحم و ارتباط با فامیل توفیق می‌آورد. شما به اول سورۀ نساء نگاه کنید، آیۀ اول سورۀ نساء عجیب است. خدا می‌گوید از شما در قیامت از دو چیز سؤال می‌کنند: ۱- از خودم،۲- از ارحام.

خدا ارحام را کنار نام خودش آورده است. در آیۀ اول سورۀ نساء می‌گوید: «اتّقوا الله الّذی»؛ بپرهیزید، تقوا کنید و خوف داشته باشید، ادامۀ آیه این گونه است:«تَسائَلون بِهِ و الأرحامَ» از شما سئوال می‌شود در مورد بندگی خدا و در مورد ارحامتان.

می‌گویند روزی امیرالمؤمنین در سخنانش فرمود: مردم از گناهانی که مرگ را جلو می‌اندازد بپرهیزید. شخصی گفت: آقا، مگر گناهی هم داریم که مرگ را جلو بیاندازد؟ آقا فرمود: «نَعَمْ ؛ قَطیعَه الرَّحِم» ؛ قطع ارتباط با فامیل و با برادر عمر را کوتاه می‌کند.

حقوق برادر از نگاه امام سجاد علیه السلام

امام سجاد در «تحف العقول» آن رسالۀ حقوق که خیلی معروف است، فرمود: حق برادرت این است که بدانی برادرت به منزلۀ چهار چیز است برای تو: «أما حقّ أخیکَ فَتَعْلَمُ أنّهُ یَدُکَ الّتی تَبسُطُها»؛ برادر، دست توست، «وَظَهرُک الّذی تلجأ إلیه»؛ پشتوانۀ توست، و «وعِزّک الّذی تَعْتَمِدُ عَلَیْه»؛ عزت است برای تو، «وَقُوَّتُکَ الّتی تَصولُ بها» ؛ و نیروی توست. دیده می‌شود برادر با برادر یک سال است که با هم قهرند. در روایات است اگر قهرشان سه روز طول بکشد هر دو از مسلمانی خارج هستند؛ «کَانَا خارجین من الإسلام». مگر می‌شود انسان در طول سال و ماه برادرش را نبیند؟! به او سر نزند و یا تلفن نزند! و یا پدر و مادرش را نبیند، و احوال فامیلش را نپرسد. این‌ها روابط و ارزش‌هایی است که متأسفانه در بین ما با این دنیای ماشینی و با این شبکه‌های متعدد، به دلیل بسیاری از گرفتاری‌ها کمرنگ شده که نباید این گونه باشد.

خدا می‌گوید اسم من «رحمان» است و صلۀ رحم و ارحام را از نام خودم مشتق کردم. لذا اگر کسی به ارحام خود رسیدگی کند گویا با خدای رحمان ارتباط برقرار کرده است. این روایات ماست. این آداب اجتماعی ماست. اگر کسی توفیق می‌خواهد این راه‌هایی را که بیان کردم؛ نماز اول وقت، صلۀ رحم، احترام به والدین، و اندیشه و فکر در نعمت‌های خدا را مورد نظر قرار دهد، این‌ها باعث جلب توفیق می‌شود. امیرمؤمنان فرمود: «التوفیق من جذبات الرّب» ؛ توفیق آن کشش رحمانی است. خدا می‌کشد، ولو یک ذره، اگر یک ذرۀ جاذبۀ الهی شامل حال انسان بشود بس است، تمام است.

خدایا به عظمت اهل بیت عصمت و طهارت، به همۀ ما توفیق عمل به دستورات نورانی اسلام و توفیق ارتباط با اهل بیت را عنایت فرما.

اولین اجرای گیتی خامنه در رادیو

«میدان مادر» برنامه جدید گروه ورزش و تفریحات رادیو تهران است که با اجرای گیتی خامنه، از امروز ۳۰ تیرماه، ساعت ۱۵ روی موج اف‌ام ردیف ۹۴ مگاهرتز می رود.

مینا نیکانیک، تهیه کننده برنامه «میدان مادر» با اعلام این خبر گفت: برنامه نمایشی ترکیبی میدان مادر کاری از گروه ورزش و تفریحات رادیو تهران است که با اجرای خانم گیتی خامنه مجری پیشکسوت حوزه خانواده و کودک از شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۱۵ تقدیم مخاطبان می‌شود.

وی با اشاره به جزئیات بیشتر برنامه افزود: این برنامه بر اساس سند تحول رسانه ملی با رویکرد اجتماعی و فرهنگی حول محور خانه و خانواده با موضوعات اخلاق، سبک زندگی، جمعیت، فرزندپروری، سالمندان و اعتیاد در حوزه‌های روانشناسی، جامعه شناسی، مشاوره فردی، کودک و نوجوان، مهارت های ارتباطی، ازدواج، تحکیم خانواده، مدیریت اقتصادی و تربیت اسلامی طراحی شده است.

به گفته تهیه‌کننده برنامه، در بخش «خونه خوبه» با حضور پدر، مادر، فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ به صورت نمایشی طرح مساله می‌شود و مهمانان و کارشناسان حاضر در برنامه به ارائه راه حل می‌پردازند. مهمان برنامه به عنوان تجربه گر و کارشناس هر روز در برنامه حول موضوع صحبت می‌کنند. در بخش «مستند مامانا»، مادران از تجربه‌های زیست خود با همسر و فرزندان می‌گویند و درباره موضوع روز برنامه به صورت جمعی گفت وگو می‌کنند. علاوه بر اینها؛ پنج سر فصل برای هر روز هفته با عناوین پیش از ازدواج، سلامت خانواده، روانشناسی خانواده، فرزندآوری و فرزند پروری در

نظر گرفته شده است. از دیگر بخش های این برنامه می توان به اطلاع رسانی اخبار حوزه ازدواج و خانواده معرفی کتاب توسط کودکان، تجربه‌های تک فرزندی از زبان کودکان، گزارش دادگاه خانواده، گزارش مراکز ناباروری، سکانس زندگی که دیالوگ های فیلم های خانوادگی سینمای ایران است و واگویه‌های یک ذهن زیبا اشاره کرد.

نیکانیک از برپایی پویش فرزندآوری و کاراگاهان کوچک خبر داد و عنوان کرد: پویشی با هدف فرزندآوری با صدای کودکان خواهیم داشت. بحث داغ جوانی جمعیت، این روزها به شیوه‌های مختلف در برنامه ریزی‌های خرد و کلان جامعه مورد توجه قرار گرفته است. مبحثی مهم که یک سرش به آینده ایران و یک سرش به مقوله امید و امیدآفرینی در زندگی فعلی ما متصل است، لذا»پویش کاراگاهان کوچک» طراحی شده است. گیتی خامنه مجری، محبوبه نجفعلی دستیار تهیه و نویسنده، سعید بارانی، فاطیما سرلک، آسیه گرجی و دنیا اسکندری کودک ۱۰ ساله از بازیگران، سمانه گلک نویسنده عواملی هستند که با این برنامه همکاری می‌کنند.